جمال شناسی شعر امیری فیروزکوهی

محبوبه حاج جعفری[1]

دکتر تورج عقدایی[2]

چکیده

امیری فیروزکوهی از احیا کنندگان و پیروان سبک هندی است. بررسی تصاویر شعری این شاعر نشان می‌دهد که تصاویر شعری او غالبا از شعرای پیشین گرفته شده است. گویا صورت‌های کهن شعری هنوز در ذهن امیری تازگی و طراوت هنری خود را حفظ کرده است. از این رو در شعر امیری به ندرت با تصاویر تازه مواجه می‌شویم. اما او توانسته عواطف خود را از رهگذر همین تصاویر کهنه بیان کند.

مقاله‌ی حاضر به بررسی غزلیات امیری از منظر زیبایی شناسی و جمال پرداخته تا نشان دهد که امیری همچون دیگر شعرای سبک هندی تشبیه را ابزاری مناسب برای بیان مشابهت‌های خیال انگیزمیان پدیده‌های ذهنی و عینی تشخیص داده است. از این رو تشبیه در شعر امیری بالاترین بسامدرا داراست. شاعر برای انتقال اندیشه‌های عمیق ترخود، از استعاره و برای عدم تصریح در بیان و پوشش در کلام ازکنایه بهره گرفته است و از توجیه المحال (پارادوکس) برای بیان اندیشه‌های دو سطحی و اجتماع امور ناسازگار و متناقض استفاده کرده است.

کلیدواژه‌ها: جمال شناسی، تشبیه، استعاره، کنایه، توجیه المحال(پارادوکس)

1- کارشناس ارشد زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

2- دانشیار زبان وادبیات فارسی دانشگاه آزاداسلامی واحد زنجان

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

به خود مباش غره که در رهگـذارعمر هرسـو که می‌روی خطـرامتحان پراست
(۱۰۹ ب ۸)

نفرت از تناقض در اعمال ریاکاران و نارفیقی رفیقان و شـرم و حیای بسـیار یکی دیگر از درونمایه‌های مهم شعر امیری است .

امیرآزار یاران دو رو گر می‌کشـد زارم بـجایش یـاریکروی کتابم زنده می‌دارد
(۲۰۱ب۱۱)

مانیم از حیا نگه خـویـش را امیـــر کز پیـش پای خویـش فـراتـر نیـامدیم
(۴۹۳ب۸)

از طرفی نوعی یأس و تاریک اندیشـی ومرگ محوری، درشعر او به طور برجسته موج می‌زند که البته علت این جهان بینی، شرایط سیاسی و اجتماعی نیست بلکه بیشتر ریشه در بینش وزندگی شخصی او دارد.

جز یأس نیست چاره‌ی درد دل امـیر کـزچـاره ناامید شـدن نیزچـاره ایسـت
(۱۶۵ب۸)

عمر بسـیار و بـــال اسـت امیـــر بـــس همـیـن گـــرهوسـی داشتـــمی
(۵۹۱ب۷)

«شعر امیری عرصه انعکاس دردها و آلام شاعری است که در تمام حالات، دردها و ناکامیهـای خود را بـا خواننده در میـان می‌گذاردوچنان صمیمانه بـا او به گفتگو می‌نشیند که خواننده ناخودآگاه غرق در صفای بی ریای او می‌گردد و همگام با او به اندوهی جانکاه فرو می‌رود. گله و شـکایت از بخت و اقبال، یأس و ناامیدی، شـکوه از پیری و ناتوانی از مهمترین مضامین شـعر اوسـت. روح حساس شاعر که در مقابل کژیها و ناراسـتیهای بداندیشان زمانه آزرده گشته، زبان به شکوه و شکایت می‌گشاید. از اینرو کلماتی مانند «پیری، غم، یأس» در شعر او دارای بسامد بالایی هستند. گذشته

از تأثر امیری از شـــاعران ســـبک هندی، روحیه حساس شـــاعر، ناراحتیهای جسمی و مزاجی که همواره او را به بستر بیماری می‌کشاند در ورود اینگونه مضامین به شعر او نقش اساسی داشته است.» (کاردگر، شماره ۳۵۱:ص۸۳)

شـــعر امیری با همه‌ی محســـناتش خالی از ضعف نیســـت. البته نه لازم اســـت در برشمردن ضعفهای او راه افراط و تعصب را پیمود ونباید از بیان آن‌ها صرف نظر کرد. شـــعر هر شـــاعر را نباید با ذوق و سلیقه‌ی شخصی خود قبول یا رد کرد. بلکه باید در نقد شعر هر شاعر به میزان نفوذ و راه یابی آن به اذهان مردم نیز توجه داشت.

در شعر سبک هندی نازک خیالی و مضمون آفرینی از طریق تشبیه فراوان است. در شعر امیری نیز تشبیه بیش از هر عنصر خیالی دیگر کاربرد دارد. تأثیر نازک خیالی‌های شـــعر امیـــری نیز در افراد مختلف متفاوت اســـت همانطور که فهـــم و ادراک تصاویر خلق شـــده در کلام شـــاعران نسبی است و عوامل متعددی در دو سطح ظاهر و باطن، لفظ و معنا در پســـندیدگی یک اثر مؤثر هســـتند، که با توجه به مطالعه و تأملی که در اشـــعار امیری انجام گرفت بدین نتیجه دســـت یافتیم که بیشتر زیبایی‌های شعر امیری به ســـاختار و فرم سخن وی مربوط است. به همین دلیل اشعار امیری بیشتر از دیدگاه ساختاری و فرمالیستی باید مورد توجه قرار گیرد.

بازتاب رمانتیسم در اشعار امیری

رمانتیســـم را به دشواری می‌توان تعریف کرد. هر نوشته‌ی خلاقی رمانتیک است و رمانتیک در یک معنای کلی بر بیان احساسات شخصی شاعران اطلاق می‌شود. ویژگی اصلی رمانتیک برتری احساس و تخیل بر استدلال و تعقل می‌باشد.

شـــعر رمانتیک در ایران با نیما ظهور کرد و با توللی به اوج رســـید. اما بعد از نیما رمانتیســـم در ایران در دو گرایش مثبت و منفی به جریان در آمد. رمانتیســـم مثبت تا

۴۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۴۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۱ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۵۵ ◇◇◇

صورت مثل یا کلام رایج در میان مردم در می‌آید ساخته‌ی خود شاعر و حاصل تلاش فکری اوست.

وجود تشـــبیه تمثیل‌های فراوان از جمله مواردی است که به تاثر از سبک هندی و صائب تبریزی در شعر امیری راه یافته است و این کثرت استفاده از تمثیل و سرشاری اسلوب معادله ویژگی بارزشعر امیری شده است.

دل زیاد اوچوخالی شد زغـم پرمی شود　　کعبه چون ازحق تهی شدازصنم پرمی شود
(۲۹۶ب۱)

جان به لب نزدیک را تاکی پرستاری کنم　　سخت است در کف داشتن پیمانه لبریز را
(۱۳ب۵)

پا در گل بار حرص ناگه رود از دنیـــا　　آسان به زمین افتد آن بار که سنگین است
(۱۲۳ب۷)

خاستگاه تشبیه

خاســتگاه تشــبیه جایی است که شاعر مشــبه به خود را از آن جا اخذ می‌کند. این خاستگاه که مرجع تشــبیه است، میزان گستردگی حوزه خیال شاعر و میزان تسلط شاعر در بیان تجربه‌های عینی و ملموس در محیط بی کران اطراف را نشان می‌دهد. و مشخص می‌کند که شاعر تا چه حد از تصاویر کهنه و تقلیدی پیشینیان بهره گرفته و تا چه حد از تصاویر نویی که خود خالق آنها بوده اســتفاده کرده است. بررســی تصاویر در اشعار امیری نشان می‌دهد که امیری در اشعارش اندیشــه‌ای جامعه گرا نداشــته و برعکس تا جایی که چشــم کار می‌کند اندیشه‌های فردگرایانه در شــعرش موج می‌زند. امیری با این زاویه‌ی دید منحصر به فرد اکثراً خود را در جایگاه مشــبه قرار داده و مثل عاشــقی که مزاج شــعله را دارد، می‌ســوزد و از حرکت نمی‌ایستد و با ظرافت و زیرکی کامل درونگرایی و سوز درونی خود را با شمع به تصویر کشیده است. مانند: «زمن چون شــمع غیر از سوختن کاری نمی‌آید» (غ۲۴۵ب۲)، «شمع غریب مانده به جمعم در این سرای»

۵۷ ◇◇◇

به کاربردن استعاره‌های مصرحه خود از طبیعت و عناصر طبیعی بیشتر از هر چیز دیگر استفاده کرده است. کاربرد این استعاره‌ها به شاعر کمک می‌کند تا افکار خود را نسبت به محیط پیرامونش بروز دهد. امیری هم با کمک گرفتن از عناصر طبیعی خواسته تا دردمندی درون خود را بازگوکند. از آنجا که هر یک از صورت‌های خیالی چون تصویری است که شاعر در ذهنش تجسم می‌کند و با کمک صور خیال آن را بازگو می‌کند، اما «نگاه شاعران به اشیاء به یک شیوه نیست ؛ گروهی به پوسته‌ی اشیاء و برونه‌ی جهان می‌نگرند و گروهی شعور درونی و جوهر اشیاء را در نظر دارند. از این رو دو گونه تصویر حاصل می‌شود: تصویر سطح و تصویر اعماق.» (فتوحی، ۶۸۳۱: ص ۲۶) که امیری در استعارات بیشتر به تصویر سطح توجه دارد تا اعماق .

استعاره‌های امیری بیشتر تحت تاثیر شعر کلاسیک است. مثلاً بسامد کاربرد«گل» و«ماه» درمقام مستعارًمنه دراستعاره از یار بسیار بالاست و این نشان دهنده‌ی«ارتجاع ادبی» شعر امیری است. به قول شفیعی کدکنی «وسیع ترین حوزه سرقات شعری، حوزه تصویرها و صورخیال است ..... سرقتی که زشتی و قبح آن براثر تکرار و دوام ازمیان رفته وبه گونه‌ی سنتی رایج درآمده است.» (شفیعی کدکنی، ۵۷۳۱:ص۶۰۲) با توجه به اینکه نکته سنجی و دقت و زیبایی شناسی از خصایص هر شاعری است اما امیری به دلیل بهره گیری از استعاره‌های موجود در زبان، خود را از آفرینش استعاره‌های تازه محروم کرده است.او حتی در استفاده ازعنصرطبیعت به کشف ناشناخته‌های آن نپرداخته وبه همین دلیل محدودیت حوزه خیال خود را به نمایش گذاشته است.

در استعاره‌های امیری لفظ مستعار غالباً دنیا، جوانی، پیری و یار می‌باشد.«از خجلت نگاه گلی آب می‌شوم» (۹۴۳ب۵)، «از تماشای بتی دل می‌طپد در سینه‌ام» (غ۷۳ب۲)، «در این بحر آن غریق بی پناهم» (غ۵۳۵ب۷) و مستعارًمنه‌ها اموری تکراری از عناصر طبیعت برای نمایش غم واندوه او هستند. به طور مثال امیری الفاظ:

۵۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۶۱ ◇◇◇

فرش این ویرانه ایم» (غ۷۷۴ب۶)، «مرا زگرمی آغوش عشق چیست تمنا» (غ۰۷۵ب۲)

به سخن دیگر امیری توانسته از رهگذر تصاویر سنتی وقریب نوعی آشنایی زدایی در عادت ذهنی ما با استفاده از نقش کلیدی کلمات به وجود آورد.مانند:«خوشتر است ازعمر مردم عمرآن مرغ دلیر کان به امید رهایی در گرفتاری گذشـــت» (غ ۸۷۱ب۴)، «از نسیم بال مرغی هم سبکتر زیستم وامدار خاری از بی آشیانی نیستم» (غ۱۷۳ب۲۱)، «چنان در ســوختن گرم است اعضای وجود من که خود در جمع خود هم شمع وهم پروانه می‌گردم» (غ۶۸۳ب۳).

کنایه

کنایه در لغت به معنی «پوشیده سخن گفتن است چنان که معنی آن صریح نباشد.» (معین، ۲۶۳۱: زیر واژه کنایه) کنایه؛ «سخنی است که معنی حقیقی و نهاده‌ی آن قابل رد نیســت؛ ولیکن به اقتضای حال و در نســبت و مناسبت زمان و مکان و موضوع و مقال، معنی دیگری از آن فهمیده می‌شود.» (ثروتیان، ۳۸۳۱: ص۴۲۲)

شاعر با استفاده از شیوه‌ی غیر مستقیم بیان و اندیشه، اشعار یا همان دریافتهای الهام گونه خود را برای ایجاد خیال انگیری و التذاذ در خواننده به صورت پوشیده و کنایی بیان می‌کند و این پوشیدگی در بیان اندیشه و گریز از منطق عادی گفتار، نیاز به تسلط شــاعر بر واژگان زبان و آشــنایی کامل با فرهنگ گذشتگان دارد. زیرا شاعر برای بیان و القای مافی الضمیر خود نمی‌تواند فقط از طریق صراحت لهجه و کلام اســتفاده کند .چون لذت حاصل از جســتجو را از بین می‌برد. پس ناچار معانی و مفاهیم گوناگون مورد نظر خود را در لفافه‌ای از لغات پیچیده و آنها را به صورت غیر مستقیم و کنایی بیان می‌کند، تا کلامش موثر و دلکش شود.

امیری در ساخت کنایات نیز متأثر از سبک هندی است. سرچشمه‌ی کنایات امیری

۶۳ ◇◇◇

نیســت؛ بلکه صفت دیگری را القا می‌کند. به عبارت دیگر گاهی صفتی را می‌گوییم تا به صفت دیگری از موصوف برسیم.این گونه از کنایه، کنایه از موصوف نامیده می‌شود. بررسی‌های انجام شده در اشعار امیری نشان داد که امیری برای گریز از صراحت بیان و ایجاد لذت جستجو و دقت و تأمل در خواننده، سخن خود را دارای دو سطح حقیقی و مجازی می‌کند تا شــعرش از درجه سخن عادی به درجه تخیل برسد. کنایه‌های صفتی چون:« بی ســرو پا: لاابالی» (۷ب۷)، «چشــم دریده: بی حیا» (۶۸ب۴)، «جگر خواری: غمخواری» (۳۹۱ب۵)، «تردامن: گناهکار» (۴۳۲ب۷)، «دربه در: آواره» (۰۹۴ب۳)، «بن دندان: صمیم جان» (۱۵۵ب۴) در اشعار امیری نمودار است.

اغراق

اغــراق یا بزرگ نمایی یکی از ابزارهای ادای معنای واحد به طرق مختلف اســت زیبایی اغراق در این اســت که با کمک نیــروی تخیل غیر ممکن را طوری ادا کند که ممکن به نظر رسد. اغراق ذهن خواننده را به تکاپو و درگیری وا می‌دارد و این تلاش ذهنی سبب کسب لذت ادبی است.

ادعای صفتی که گاه عقلاً و عادتاً پذیرفتنی نیست اغراق است و وقتی هنرمندانه و زیبا می‌شود که تخیل در آن موج بزند. به قول دکتر شمیسا: «ربط بین حاضر و غایب محتاج به تخیل باشد.» (شمیسا، ۶۷۳۱:ص۰۹۲)

صنعت اغراق به لحاظ بلاغی در ســبک هندی از بســامد بالایی برخوردار اســت. بررسی‌های انجام شده در اشعار امیری نشان داد که اغراق همچون عناصر خیال انگیز دیگر در شــعر امیری وجود دارد و بیشــترین اغراق در شعر امیری در نکوهش دنیا و مــردم دنیا و بیزاری اغراق آمیــز از ناتوایی و تنهایی اســت. نمونه‌هایی از اغراق‌های امیری به شرح زیر است :

غـیر از بـپا نخـاستـن از ناتــوانیـــــم فـرقـی دگر میان من و آه خویش نیست
(۱۵۱ب۲)

به سینه راه ندارم ز نـاتوانی خویـــش که پرسم از دل خونین غم نهانی خویش
(۳۴۱ب۱)

پیش از زمان شیب دو تا گـشت قد من از بـس به روزگار جــوانی ســلام کرد
(۱۹۹ب۵)

از بـــس غـــریـــق مهـــلکه زندگـانیم خواهـم هـلاک آنکه نخواهد هلاک من
(۵۳۳ب۴)

آنچنان دربه در وخسته بهرسوی روانم که دل ریگ روان سوخت به آوارگی من
(۵۴۶ب۲)

توجیه المحال (پارادوکس)

پارادوکس یا متناقض نمایی یکی از انواع آشنایی زدایی هنری در زبان است. «این اصل آشـــنایی زدایی که در اســتتیک صورتگرایان روسی در مرکز بحث قرار می‌گیرد، بیان دیگری اســت از همان اصل «تخیل» که امثال خواجه طوسی و دیگران در فلسفه التذاذ از آثار هنری مطرح کرده‌اند.» (موسیقی شعر، ۳۷۳۱، ص۷۳)

این گونه تصویرهای شــعری، که در شــعر فارسی از سنایی آغاز شده و به تدریج روی به افزونی نهاده یکی از ویژگی‌های سبک هندی است. پارادوکس به بیانی اطلاق می‌شود «که به ظاهر متناقض با خود، نامعقول و مخالف با فهم عمومی است. هر چند وقتی خوب بررسی یا خوب توضیح داده شود، ممکن است اساس درستی داشته باشد یا بنا به قول بعضی در اصل حقیقی باشــد.» (چنــاری، ۷۷۳۱، ص۴۱) و این حقیقتی اســت که تنها ذهن خلاق شــاعر آزادانه قادر به خلق این تضاد منطقی اســت و ذهن منطقی آن را درنمی یابد.

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

مســتمند من (۱۲۵ب۶) آن زمان کافر تنوانم شــدکه دینداری شوم (۶۵۴ب۷)، که غیر از حــرف خاموشــی نخیزد از زبان من (۸۳۵ب۱) آنچنــان دردی که ما از زخم مرهم دیده‌ایم (۸۶۴ب۲) با دو چشم باز خوابی سخت درهم دیده‌ایم (۸۶۴ب۱).

حسامیزی

شــعر معمولاً حاصل تجربه‌ها و یافته‌های شاعر اســت. بسیاری از این تجربه‌ها و یافته‌ها تنها به یاری یکی از حواس بدست نیامده است. شاعر برای بیان کردن و انتقال دادن این گونه موارد نیازمند آن اســت که حواس گوناگون مخاطب را همزمان تحت تاثیر قرار دهد. یکی از راههای این کار حسامیزی است. حسامیزی در آرایه‌های ادبی، آمیختن دو یا چند حس مثل شــنوایی، بویایی، بینایی، لامسه در کلام است به گونه‌ای که ایجاد موسیقی معنوی به تأثیر سخن بیافزاید.

حســامیزی در ادب کهن فارســی نمونه‌های محدودی داشته است و بسامد آن در سبک هندی افزایش یافته است. بررسی‌های انجام شده در اشعار امیری نشان می‌دهد با وجود پیروی اواز ســبک هندی اما کاربرد حســامیزی در اشــعارش کم و محدود است. نمونه‌هایی از حسامیزی در اشعار امیری ازاین قراراست: گریه‌های تلخ (۱ب۳)، هرکس شــنود بوی تورا (۲۲ب۱)، می‌شــنیدم بوی آغوش تو را (۲۶ب۱)، به اشــک تلخی از شــیرینی عشق است تسکینم (۱۰۲ب۰۱)، به بوی حسرتی از خلوت سیمین تنان (۴۲۵ب۱۱)

نتیجه

امیری همچون اغلب شعرای سبک هندی از تشبیه بیش از هر صورت خیالی دیگر بهره گرفته اســت. علت این امر در توانایی تجسم بخشی تشبیه است. از طرفی تشبیه

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۶۹ ◇◇◇

منابع

۱- امیری فیروزکوهی، امیر بانو، (۱۳۶۹)، **دیوان امیری فیروزکوهی**، تهران، نشر سخن.

۲- ثروت، منصور، (۱۳۷۵)، **فرهنگ کنایات**، تهران، نشرسخن .

۳- ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۳)، **فن بیان در آفرینش خیال**، تهران، نشر امیرکبیر.

۴- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۰)،**اسرار البلاغه**، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، تهران، نشر دانشگاه تهران.

۵- چناری، امیر، (۱۳۷۷)، **متناقض نمایی درشعر فارسی**، تهران، نشر فرزان.

۶- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۴)، **چشم انداز شعرمعاصر ایران**، تهران، نشر ثالث .

۷- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۵)، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران، نشر آگاه.

۸- _____، _____، (۱۳۷۳)، **موسیقی شعر**، تهران، نشر آگاه.

۹- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، **بیان**، تهران، نشر فردوس .

۱۰- عقدایی، تورج، (۱۳۸۱)، **نقش خیال**، زنجان، نشر نیکان کتاب .

۱۱- فاطمی، حسین، (۱۳۶۴)، **تصویرگری در غزلیات شمس**، تهران، نشر امیرکبیر.

۱۲- فتوحی رود معجنی، محمود، (۱۳۸۶)، **بلاغت تصویر**، تهران، نشر سخن .

۱۳- معین، محمد،(۱۳۶۲)، **فرهنگ معین**، تهران، نشر امیر کبیر.

۱۴- هاوکس، ترنس، (۱۳۷۷)، **استعاره**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر مرکز.

فهرست مقالات

۱- ذاکری، احمد، (۱۳۸۸)، **مقاله‌ی توجیه المحال درادب فارسی**، مجله‌ی زبان وادب فارسی، شماره ۱.

۲- کاردگر، یحیی، (۱۳۷۷)، **مقاله‌ی سبک هندی و امیری فیروزکوهی**، مجله‌ی کیهان، شماره ۱۵۳.